

یادداشت ...

در اولین جلسه هیات دولت فعلی با پزشکیان، تندروها در برابر ادب و فروتنی رئیس‌جمهور شرمنده خواهند شد

عباس عیدی **فعال سیاسی**



با اطمینان خواهم گفت در اولین جلسه هیات دولت که آقای پزشکیان با همین کابینه شرکت کند چنان مودبانه، خوشرو و با فروتنی و صمیمیت وبدون ذره‌ای دلخوسری برخورد خواهد کرد که تندروهای آنجا خودشان شرمنده عملکرد اخیرشان خواهند شد.

هوای سیاست ایران همیشه بهاری است. باید چتر را همراه داشت. پیش‌بینی آب و هوایش سخت است. فرصت‌های آن چون ابر می گذرند. کافی است دو ماه پیش را به یادآورید. کسی که در آینده امروز ما را ببیند تحول را معجزه می بیند ولی برای مردم ما تحقق پذیر بود و محقق شد. چه خوب شد دور دوم هم داشتم.

برای این که اهمیت اتفاق دیزروز را بدینمیان کافی است به جبهه بسیار گسترده

مخالفان آن نگاه کنیم. عظمت این اتفاق و پویایی جامعه ایران در این یک ماه از قوه به فعل تبدیل ششد.دختر دوستم که در خارج است به مناسبت پیروزی انتخاباتی به او پیام دادم. «از طرف من به دوستان همیشه در صحنه‌ات‌اهم تیریک بگو؛ ظاهراً منظورش من بودم. دوستم این پیام را برابم ارسال کرد.پاسخ دادم که پیروزی آن روزی است که تو و همه فرزندان‌مان را به تهران بیاوریم و همه کنار هم باشیم.

یادداشت ...

پزشکیان را به میدان مینی فرستادیم که نقشه‌اش دست او نیست!

احمد زیدآبادی **فعال سیاسی**



دکتر پزشکیان رسماً پیروز شد. ما بسا رأی دادن به او خدمتی به شخص وی نکردیم. به واقع او را روی میدان مین فرستادیم، میدان مینی که نقشه‌اش دست او نیست.

حرکت در چنین صعب‌راهی، نهایت‌تدرایت، احتیاط، ششکبیایی، شجاعت و تواضع را می طلبد.

بدون کمک و حمایت رهبری، محسنی اژه‌ای، محمدباقر قالیباف و سردار باقری و رفتار بسیار هوشمندانه، مسئولانه و مدبرانه ما ایرانیان دکتر پزشکیان نمی‌تواند گام از گام بردارد.

او اما مرد نیک‌نفس و فروتن و بی‌کینه و صادقی است و همین خصائل می‌تواند اعتماد دیگران را جلب کند و راه تعامل به قصد گرگ‌کشایی از انبوه بیکران مشکلات جامعه و کشور بگشاید. آنچه مرا از ماجرای ریاست جمهوری آقای پزشکیان دلگرم می‌سازد، باورم به وجود خدا و خیر و عنایت اوست. تحولاتی که در این ۵۰روز رقم خورد، گویی فقط کار خدا بود و همه پنداری طبق نقشه او کار کردند!

وَاللّٰهُ خَيْرٌ الْمُنْظِرِینَ

پزشکیان از چه روزی رئیس‌جمهور می‌شود؟

سررویس سیاسی – مسعود پزشکیان برای مردم ایران به عنوان رئیس‌جمهور جدید کشورمان انتخاب شد، بر اساس قوانین کشور سازوکارهای خاصی برای تبدیل رئیس‌جمهور منتخب به رئیس‌جمهور قانونی وجود دارد که در ادامه به این فرآیند ما می‌پردازیم.

مسعود پزشکیان نماینده مردم تبریز در مجلس است که بر اساس قانون می‌بایست از مجلس استعفا دهد. در این راستا او می‌بایست استعفای خود را به هیات رئیسه مجلس تحویل دهد و در ادامه بعد از اعلام وصول این استعفا در هیات رئیسه مجلس، نمایندگان می‌بایست این استعفا را مورد بررسی قرار دهند.

البته در فرآیند استعفای پزشکیان به نظر می‌رسد این بررسی استعفا بیشتر جنبه نمادین خواهد داشت و مجلس با موافقت با استعفا راه ورود او به پاستور راه‌هموار خواهد کرد. مرحله دیگر برای تبدیل رئیس‌جمهور منتخب به رئیس‌جمهور قانونی انجام تفهیز و تحلیف است.

بر اساس یک سمن‌ت‌دیرینه مراسم تفهیز حکم رئیس‌جمهور ۱۲ مرداد ماه برگزار می‌شود حال ممکن است به علت تلاقی این روز با جمعه شاهد آن باشیم که مراسم تفهیز در حضور رهبر انقلاب یک روز قبل یا یک روز بعد هم برنامه‌ریزی شود. تفهیز حکم ریاست‌جمهوری پیش از مراسم تحلیف حکم ریاست‌جمهوری طبق بند ۹ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، پس از انتخاب مردم از جمله وظایف و اختیارات رهبر جمهوری اسلامی است.

بعد از برگزاری مراسم تفهیز حکم توسط رهبر انقلاب، انجام مراسم تحلیف در دستور کار قرار می‌گیرد، این مراسم هم بر اساس سنت در سالروز صدور فرمان مشروطیت در ۱۲ مرداد در مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود که این تاریخ می‌تواند پس و پیش نشود همچنین بعد نیست به علت کسوت پزشکیان در نمایندگی مجلس، مراسم استعفای او از نمایندگی و مراسم تحلیف او به صورت همزمان برگزار شود. بعد از انجام تفهیز و تحلیف، مسعود پزشکیان رسماً به عنوان رئیس‌جمهور جدید کار خود را در نهاد ریاست‌جمهوری آغاز خواهد کرد.

طبق اصل ۱۲۱ قانون اساسی مراسم سوگند رئیس‌جمهور باید در نشست علنی مجلس برگزار شده و حتماً رئیس‌قوه قضائیه و اعضای شورای نگهبان نیز در این مراسم حضور پیدا کنند و براساس آئین‌نامه داخلی مجلس، رئیس‌جمهور منتخب در همان روز یا حداکثر تا ۲ هفته مهلت دارد تا فهرست وزرای پیشنهادی خود را به مجلس ارائه دهد.

تماس با اقتصادکیش

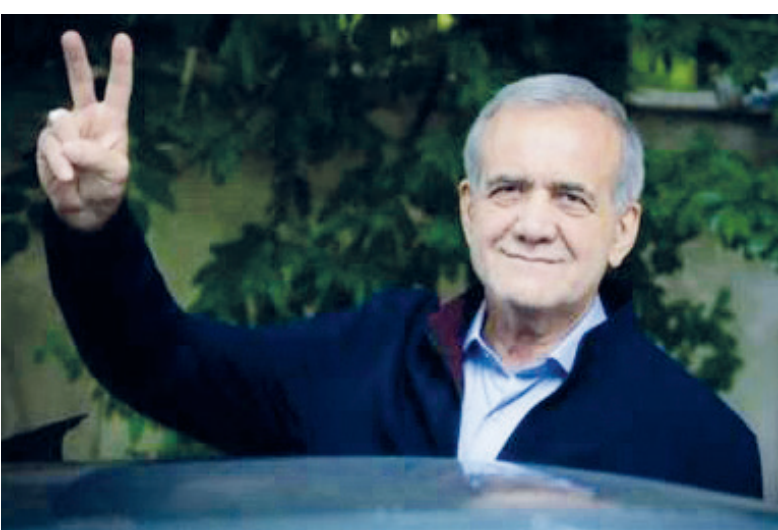
۴۴۴۲۴۹۹۹

سیاسی

۶ نکته درباره یک پیروزی:

بارئیس‌جمهور منتخب ملت همراهی کنید؛ ایران ما به «مهر و مَرهم» نیاز دارد

■ حیاتی‌ترین کار برای نظام این است که به جای بیگانگی این تصویر هشدار دهنده، به واکوی آن بپردازد و صدای اکثریت را اعم از خاموش و گویا، بشنود و به معنای واقعی بدان تمکین کند. جمهوری اسلامی، برای ادامه حیات و پویایی، چاره‌ای جز همراهی مردم ندارد و هر که این همراهی را خدشه دار کند، ولو آن‌که خود را انقلابی و مدافع نظام بداند، خواسته یا ناخواسته، برانداز است.



است و... و انتشار این شایعات در سطح وسیع و با پول

هایی که هنوز منبع‌شان مشخص نشده، از نمودهای این نابرابری بود. با قاطعیت و آسوده خاطر بودن در محضر وجدان می‌توان گفت‌که جریان‌مقابل او، نه تنها انتحایات را باخــت که اخلاق را که مدعی‌اش بود، باخــت و این دومی، سهمگین‌تر است. البته ناگفته نپیداست که حضور مردم، همواره باطل‌الـسحر است و عزت‌دست‌خداست.

۴– یکسی از نتایج این انتخابات، احیای امید مردم در اوج ناامیدی است. جریان‌های داخل نظام

و نهادهای قدرت، نباید پزشکیان را رقیبی از سوی

جبهه اصلاحات بدانند که باید دولتش زمین‌بخورد؛ بلکه باید او را یک امکان تاریخی برای تقویت رابطه حاکمیت با مردم، اصلاح ساختارهای غلط، حل مشکلات جامعه و احیای اعتماد عمومی و سرمایه‌های اجتماعی بدانند که در نهایت به حال خوب مردم در عین قوام و بالندگی نظام منجر می‌شود. لذا خردمندانه و صلاح‌کار ملک و ملت در این است که به‌او کمک‌کنند و هیچ‌اشکالی هم ندارد که اعلام‌کنند در کنار دولت هستند و بخشی از موفقیت‌های آن‌س، با مردم همکاری و همراهی آنان است و پزشکیان نیز باید با صدای بلند همین را به مردم بگویند.

برعکس اگر از در تقابل درآیند، باید بدانند که روح و پیکر جامعه، تـسوان زخم‌های دیگر را ندارد. اگر بعد از ماجراهای ۹ روز یک‌بحران در دولت سیدمحمد خاتمی، این جامعه دوام آورد به دلیل آن بود که ربیع‌قرن متحمل فجع‌ترین جراحات‌های سیاسی و اختلافات درونی نشده بود و تاب و نای بیشتری داشت ولی اکنون، بیش از هر چیزی به مهر و

شکل دهد.از سوی دیگر، باید منتظر واکنش مجلس به کابینه پیشنهادی او بود تا مشخص شود تا چه اندازه پیام ۸ تیر، او را یک تیر برآورفته‌اند و می‌خواهند وارد همگرایی بشوند.

اگر از همین اول شـاهد تقابل باشیم باید منتظر روزهای سخت مسعود پزشکیان و ملت ایران باشیم؛ اما امیدواریم که مجلس و مجموعـه حاکمیت با درک درست شرایط، دست‌دوستی و همکاری به دولت منتخب مردم بدهند و مهم‌ترین مأموریت‌شان یعنی احیاء و تقویت دوستی و اعتماد بین مردم و حاکمیت را محقق سازند. نه فقط اعتماد به مردم، بلکه نجات ایران در گرو این فعالیت‌هاست.

۶ – و نهایتاً مردمی که در سخت‌ترین شرایط پسای کار آمدند و با رأی دادن و رای ندادن، پیام خود را رساندند، نباید ناکار را تمام شده بدانند؛ از امروز باید از پزشکیان مطالبه‌گری کنند و در عین حال از دولت منتخب خود در برابر جفاهای احتمالی حمایت‌کنند. و مادام که رئیس‌جمهور با ملت همراه است، تنهاش نگذارند.

وی در سال ۱۳۷۲ فوق تخصص جراحی قلب را از دانشگاه علوم پزشکی ایران دریافت کرد و بلافاصله بعد از آن در بیمارستان قلب شهید مدنی تبریز پذیرفته و مشغول به کار شد و چند سال بعد هم موفق شد تا رتایست این بیمارستان را بر عهده بگیرد. مسعود پزشکیان در سال ۱۳۷۳ به ریاست دانشگاه علوم پزشکی تبریز منصوب شد و تا سال ۱۳۷۹ به ریاست خود در دانشگاه علوم پزشکی تبریز ادامه داد.وی پس از اتمام ریاست خود در دانشگاه علوم پزشکی تبریز در سال ۱۳۷۹ به تهران آمد و در سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۰ در دوره وزارت محمد فرهادی، معاون سلامت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در کابینه نخست سید محمد خاتمی بود و در کابینه دوم خاتمی به عنوان وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مجلس رأی اعتماد گرفت.

نمایندهی مجلس: وی در سال ۱۳۸۶ و در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی برای نخستین بار به‌عنوان نماینده مردم تبریز، آذربشهر و اسکوراهی مجلس شد. پزشکیان در دوره نهم مجلس با کسب رأی ۱۵۹۵۰۱ رأی و در دوره دهم با کسب ۲۶۱۰۵ رأی مجدداً از حوزه انتخابیه تبریز، آذربشهر و اسکو وارد مجلس شد و در هر دو دوره عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بود. پزشکیان در مجلس دهم با کسب ۱۵۸ رأی نایب رئیس اول مجلس شد. همچنین در دوره یازدهم، پزشکیان عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس ششورای اسلامی بود. پزشکیان در انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی نیز شرکت کرد و با کسب ۹۵۹۹۳ رأی به مجلس راه یافت.

انتخابات ریاست جمهوری: مسعود پزشکیان در سه دوره انتخابات ریاست جمهوری

کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

یکشنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۳، ۱ محرم ۱۴۴۵، ۷ جولای ۲۰۲۴، شماره ۴۵۰۴، صفحه ۷

چه کسی مقصر شکست اصولگرایان است:

محمدباقر قالیباف یا سعید جلیلی؟



سرورس سیاسی – مادام که جریان اصولگرا درگیر خودحق‌پنداری است، باید به شکست عادت کند و اگر هم بخواهد در رقابتی رأی بیارود، ناگزیر است از آویختن به امکانات عمومی و استفاده ابزاری از مفاهیم پیش‌گفته و تخریب رقیب با ولو با تانک، چنانچه افتد و دانی!

از ساعات نخست اعلام نتایج انتخابات که مشخص شد سعید جلیلی بازنده انتخابات است، طر‌فداران او و هواداران محمدباقر قالیباف –بازنده دور اول – در فضای مجازی به جان هم افتاده‌اند و هر کدام، دیگری را مقصر این شکست می‌دانند. اما کدام یک راست می‌گویند؟ پاسخ به این سوال از دو منظر کلان و خرد، قابل بررسی است.از نگاه کلان، مقصر این باخت، کل جریان اصولگرایی است جریانی که نه در مجلس عملکردی داشت که مورد وفاق ملی باشد و نه دولتش توانست مردم را چنان راضی کند که دور او گرد آیند و پیروزی‌اش را تضمین‌کنند.

اما شاید مهم‌تر از ضعف کارنامه در دولت و مجلس، قوت کارکردی ملت جریان در کارشکنی علیه دولت‌های مستقر غیر همسو هست که از دیدگان ملت دور نمانده است. مردم ایران فراموش نکرده‌اند چه کسانی در داخل کشور، همسو با ناتناها و ترامپ، برجام را که ضامن رابطه متعارف ایران با جهان بود، در دولن قبل زمین‌زدند و حافظه میان‌سالان و کهنسالان ایرانی هم یاری می‌کند که به یاد آورند “هسر ۹ روز یک‌بحران” در دولت سید محمد خاتمی را که اینک، همه معترف‌اند موفق‌ترین دولت جمهوری اسلامی در همه‌زمینه‌ها مشخصاً در عرصه اقتصادی بوده است.

در همین انتخابات اخیر نیز، کلیت جریان اصولگرا ای همان نقطه قوت تخریبی خود وارد کارزار شد و دولت قبل همین نظر را چنان سیاه جلوه داد که در آرشیب رسانه‌های ضدنظام‌نمی‌توان مشابهی برای این حجم از تخریب یک دولت جمهوری اسلامی یافت.

جریان اصولگرا، همچنین با خود حق‌پنداری، مفاهیمی را که تعلق عمومی به یک ملت دارد، به نفع خود مصادره کرده و از آنها به مثابه ابزار سیاسی استفاده می‌کند و این نیز، از نگاه تیز بین ملت، دور نمانده و نمره منفی بزرگی برای آنها به ثبت رسانده است.به عنوان مثال آنها دین را ملک طلق خود می‌دانند و اگر رقیب سیاسی شان آیه‌ای از قرآن یا روایتی از نهج البلاغه بخواند بر می‌آشوبند، یا خود را انقلابی و جبهه انقلاب می‌خوانند و بدین ترتیب، بقیه را در دایره انقلاب بیرون می‌رانند، با استفاده از مسجد و حوزه‌های علمیه و روحانیت برای اتبلیغ سیاسی خودروا می‌دانند و مداحان نیز مادام که اشعار مورد پسندشان را بخوانند، در حریم قدسی امام حسین(ع) هستند، یا شهیدان فقط برای آنها هستند و حتی می‌توانند در جانیامی حوز شهادی گننام هم بر اساس خواست سیاسی خود عمل‌کنند و مواردی از این دست.

این نگاه “انحصاری” و “ابزاری” به مفاهیم ملی و مذهبی، آنها را به تافته جدا بافته‌ای تبدیل کرده که یک سو، آنان به عنوان “خودی” و “در سوی دیگر، بقیه مردم از اصلاح طلبان و اعتدالیون و مخالفان هر سه طیف و بی تفاوت ها و براندازان یا سوی دیگر، مجموعاً “غیر خودی” هستند. این غیر خودی بودن هم البته فقط یک برجسب نیست و از توزیع مسوولیت‌های سیاسی تا تعیین هیات علمی دانشگاه ها، مملک‌عمل قرار می‌گیرد.مادام که جریان اصولگرا درگیر خودحق‌پنداری است، باید به شکست عادت کند و اگر هم بخواهد در رقابتی رأی بیارود، ناگزیر است از آویختن به امکانات عمومی و استفاده ابزاری از مفاهیم پیش‌گفته و تخریب رقیب با ولو با تانک، چنانچه افتد و دانی!

این خودحق‌پنداری، همان آفتی بود که در ۱۳۸۴ بر دامن اصلاح طلبان مغرور افتاده بود و تصور می‌کردند بیش از بقیه می‌فهمند و ناگهان “نازه از راه رسیده‌ای به نام محمود احمدی‌نژاد”، بر چهره شان چنان سیلی واقعبت را نواخت که ردش هنوز باقی است.اما از منظر خرد و صرفاً فاطر به این انتخابات و بر اساس اعداد و ارقام واقعبت‌ها، باید گفت که مسوولیت شکست اصولگرایان، در چهاردهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری، با شخص “سعید جلیلی” است.

درست است که در نظرسنجی‌های قبل از دور اول، جلیلی بالاتر از قالیباف بود و در انتخابات نیز رای بیشتری از او به دست آورد ولی بخش عمده‌ای از اقت جایگاه قالیباف در میان اصولگرایان، ناشی از تخریب‌هایی است که سه حق یا ناحق –جریان جلیلی در سال‌های اخیر متوجه او کرده است.

جلیلی و باقی ماندن قالیباف، می‌توانست به نفع اصولگرایان باشد:
۱ – جلیلی به شدت فاعه دارد و بدنه جامعه از افکار و رویکردهای فکری

و سیاسی او می‌ترسد.همین موضوع، دو قطبی شدن انتخابات را برقم زد و بخش مهمی از قشر حاکستری که اساساً تمایلی به شرکت در انتخابات نداشت، وارد عمل شد و از بیم جلیلی به پزشکیان رأی داد. اگر طرف پزشکیان، قالیباف بود، دو قطبی انتخاباتی شکل نمی‌گرفت و فضا در مشارکت‌اندک به نفع اصولگرایان بود.

۲ – بخش مهمی از بدنه اصولگرایی و قسمنتی از آرای خاکستری، برغم تقدها‌بشان بر قالیباف، در مجموع او را فردی دارای قدرت مدیریت اجرایی می‌دانستند که دارای کارنامه‌ای قابل ارزیابی است اما از سعید جلیلی، تصویری از یک “سخت‌ران ایدئولوژیک” در ذهن داشتند که جز “مجموعه‌ای از مذاکرات شکست خورده منتهی به تحریم ایران” اندر چنته ندارد. دو واقع بسیاری از کسانی که از ترس جلیلی به پزشکیان رأی دادند، متماثل به قالیباف بودند. در صورتی که رقابت پزشکیان – قالیباف صورت می‌گرفت، بخشی از آرای کنونی پزشکیان به صندوق قالیباف ریخته می‌شد، کما این که در دور دوم انتخابات، بسیاری از رأی دهندگان قالیباف، نام پزشکیان را روی برگه‌های خود نوشتند. در واقع، قالیباف این قابلیت را داشت که به سبب آراء پزشکیان حمله کند ولی جلیلی سهمی از این سبد نداشت. بنابراین، اگر قبل از دور اول، جلیلی کنار می‌کشید، تقریباً همه آرای او به علاوه بخشی از آرای پزشکیان به سبد قالیباف ریخته می‌شد.

از سوی دیگر، با دو قطبی نشدن انتخابات، بخشی از آرای خاکستری هرگز به نفع پزشکیان فعال نمی‌شد. در چنان شرایطی قالیباف، می‌توانست حتی شانس اول انتخابات باشد ولی جلیلی ماند و دو قطبی اولیه در دور اول و دو قطبی ثانسی در دوم دوم شکل گرفت و هم خود باخت و هم باعث باخت قالیباف شد تا مسعود پزشکیان راهی پاستور شود.

سختگوی جبهه اصلاحات ایران:

آقای پزشکیان، صدا و مطالبه کسانی را که با صندوق رأی آشتی نکردند، بشنوید

سررویس سیاسی – سختگوی جبهه اصلاحات ایران با تأکید بر این که مسعود پزشکیان پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری شد، بر حاکمیت و دولت‌او واجب دانست صدا و مطالبه کسانی که با صندوق رأی آشتی نکردند را بشنوند. **جواد امام نوشت:**

“آقای دکتر پزشکیان، پیروز این انتخابات شد. اما پیروزی واقعی از آن مردم رشید و صبور ایران است که همواره به حاکمیت فرصت تجدیدنظر، اصلاح و بازسازی می‌دهند.

بر حاکمیت و دولت چهاردهم واجب است صدا و مطالبه‌ی کسانی را که با صندوق رأی آشتی نکردند، بشنوند. راه اصلاحات ادامه دارد!

کلیه سفارشات MDF، چوبی دکوراسیون غرفه و منزل

تلفن: ۷۷۹۸۲۵۲

صنایع چوب حلاج کیش